

فرای؛ ایدئولوگ مکتب ایرانی

۳ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۴۸

مکتب ایرانی اگرچه موضوعی است که از سال ۱۳۸۹ با همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور رسانه ای شد اما از نقطه نظر تاریخی ریشه های این جریان را باید از دوران پهلوی جستجو کرد. حکومت پهلوی در قالب برگزاری جشن های ۲۵۰۰ و یا تعریف و تمجید از تاریخ ایران باستان و کورش هخامنشی سعی در بسط و گسترش ایده مکتب ایرانی داشت و در سالهای اخیر نیز جریانی انحرافی در دولت نهم و دهم به نمایندگی اسفندیار رحیم مشایی این تفکر را از کتاب «عصر زرین فرهنگ ایران» ریچارد فرای وام گرفت و به گسترش آن پرداخت.

این نوشتار را با سخنانی از شهید مطهری پیرامون نفوذ اندیشه های بیگانه به عنوان اولین و مهم ترین آفت برای انقلاب شروع میکنم. ایشان در کتاب نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر می فرمایند: «هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می گیرد و جاذبه پیدا می کند و مکتب های دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد، پیروان مکتب های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوساندن آن از درون، اندیشه های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می اندازند و یا کم اثر می کنند... نفوذ و نشراندیشه های بیگانه... خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند».

شاید بتوان نقطه پیوند شروع خبری شدن مکتب ایرانی را با همایش ایرانیان خارج از کشور آغاز کرد. رئیس دفتر رئیس جمهور پیشین کشورمان گرچه در این همایش پر رمز و راز سخنانی در خصوص مکتب ایرانی به میان آورد اما پرسش اصلی و اساسی اینجاست که مبدع این تئوری کیست؟

برای پاسخ به این سوال باید تعریفی هر چند ناقص از مکتب ارایه بدهیم. در واقع می توان گفت مکتب مجموعه ای منسجم از اندیشه است که در یک زمینه اجتماعی و درباره ی نحوه ی دید و عمل نسبت به فاکتور های سازنده ی اجتماع مانند نوع حکومت، باور های فرهنگی، سنت، هنر و حتی ورزش مورد قبول عده ای قرار دارد و این اندیشه برای رسیدن به هدف یا اهداف خود از روش های خاصی بهره می گیرد. ممکن است مکتب یک جهان بینی صرفاً انسانی مبتنی بر اندیشه ی انسان یا حتی یک برداشت و قرائت خاص از یک دین یا مذهب الهی باشد.

بنا بر اطلاعات بدست آمده مبدع این تئوری شخصی به نام پروفیسور ریچارد. نفرای با ملیت آمریکایی می باشد که در مرکز مطالعات خاورمیانه در آمریکا مشغول به فعالیت می باشد.

تابستان ۱۹۴۸ فرای در کسوت یک مستشرق و ایران‌شناس به ایران آمد و یکی از نخستین و مهم‌ترین اقداماتش تأسیس «مدرسه‌ی تابستانی مطالعات ایرانی» در دانشگاه شیراز بود. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵، فرای، مدیر مؤسسه‌ی آسیایی در شیراز و عضو هیأت امنای دانشگاه شیراز شد و به صورت‌بندی پروژه‌ی مکتب ایرانی پرداخت.

وی این نظریات را در قالب کتابی به نام «عصر زرین فرهنگ ایران» منتشر کرده و کتاب فوق توسط یکی از انتشارات ایرانی ترجمه و به چاپ رسیده است.

مکتب ایرانی عاریت گرفته شده از کتاب «عصر زرین فرهنگ ایران» توسط ریچارد فرای بوده و این نظریه، بومی نبوده و توسط این فرد مطرح شده بود.

نیم‌قرن پیش از آنکه رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد و رئیس دفترش اسفندیار رحیم‌مشایی کوروش را به عنوان، الگوی برتر مدیریت ایرانی، در مقابل الگوهای مسلط آمریکایی معرفی کنند و او را «شاه جهان» و پیروی از مشرب کوروش را «رمز جاویدانی همه حاکمان» بنامند، ریچارد فرای و شجاع‌الدین شفا این کار را کردند. در دهه ۱۳۴۰ روابط فرای از هر سو با مقامات بلندپایه دربار پهلوی گسترده شد و رفت و آمدهایش با شجاع‌الدین شفا، نطق‌نویس یهودی محمدرضا شاه و ایدئولوگ جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی آغاز گشت. او نیز مانند اسدالله علم (از معروف‌ترین دولتمردان حامی انگلیس) و منوچهر اقبال خیلی زود فرای را در حلقه‌ی دوستان شخصی‌اش پذیرفت و به روایت تاریخ کمبریج فرای به خانه‌اش مدام رفت و آمد می‌کرد و در میهمانی‌هایش حضور داشت. شجاع‌الدین شفا کتاب ۳ جلدی مشهور کمدی الهی اثر دانته را که از مشهورترین منابع فکری فراماسونری است در سال ۱۳۳۵ به فارسی برگرداند. در این کتاب پیامبر عظیم‌الشان اسلام - نعوذبالله - به عنوان «مظهر شیطان» توصیف می‌گردند. و این عقیده از نخستین اصول «معرفت مخفی» ماسونی و ساخته‌ی فرقه «رُز-صلیبی» (پیشگامان فراماسونری) است که هیچ وقت آن را در درجات مقدماتی بیان نمی‌کنند.

شفا در یکی از مشهورترین آثارش به نام تولدی دیگر دین اسلام را نسخه برداری‌هایی از آئین‌های «میتراثیسم» (مهرپرستی) و «زرتشت» و «مانی» می‌داند که «ایرانیان به دنیای کهن ارمان دادند.» او مانند فرای از پیشگامان یهودی ترویج فرقه رازآمیز «میتراثیسم» بود و به همین دلیل، فرای یک انگلیسی به نام جان همیلسن را از دانشگاه منچستر به شفا معرفی کرد تا ساپورت و مساعدت ایرانی‌ها را برای برگزاری کنگره‌های آئین مهر و میتراثیسم جلب کند. اندیشه‌های شفا ملغمه‌ای از آمیزش معنویت کاذب میتراثیسم با «ملی‌گرایی رادیکال» بود و نفوذش روی محمدرضا پهلوی او را به خالق جمله تاریخی «کوروش! آسوده بخواب که ما بیداریم» در سخنرانی شاه تبدیل کرد؛ همان سخنرانی معروف در پاسارگاد و بر سر آرامگاه کوروش در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که ریچارد فرای از کارگزاران درجه یک آن بود و ایده جنجالی «زنان رقصنده بومی» از پیشنهادات اوست. فرای در خاطراتش برگزاری جشن‌ها را مهم‌ترین کار خود در ایران می‌داند:

من معمولاً از طریق شجاع‌الدین شفا خیلی به دربار فراخوانده می‌شدم. یکی از کارهایی که من در آن سهم بودم کمک به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در شیراز بود. بزرگداشت کوروش چیزی بود که من به دو دلیل، سخت روی آن کار می‌کردم. این مراسم در شیراز برگزار می‌شد و من هم در آنجا رئیس انستیتو آسیا در دانشگاه پهلوی بودم و طبعاً نقش مهمی داشتم. دعوت بسیاری از میهمانان از سراسر دنیا برعهده من بود. باربارا والترز، را من به

ایران آوردم.

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۷۱۸/ایرانی-مکتب-ایدئولوگ-فراپ/>